



اکران جهانی «مست عشق»

فیلم «مست عشق» ساخته حسن فتحی که در آن شهاب حسینی و پارسا پیروزفر در نقش شمس و مولانا ایفای نقش می کنند، سال پیش در ایران اکران شد. این فیلم بیش از دو میلیون مخاطب داشت، حدود ۱۲۰ میلیارد تومان فروش و پرفروش ترین فیلم غیرکمدی سال شد. اینک اما اکران جهانی این فیلم شروع شده و از روز پنج شنبه، فیلم در ۱۰ کشور اروپایی روی پرده رفته است. طبق گزارش روابط عمومی اثر و آن گونه که آمار کمپانی AF media group به عنوان شرکت پخش کننده اثر در اروپا نشان می دهد، تمام بلیت های سه روز نخست نمایش نیز به فروش رسیده است. همچنین بهزودی و همزمان با آغاز اکران این فیلم در کشورهای روسیه، هندوستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، ساخته حسن فتحی در آمریکای شمالی نیز روی پرده می رود. قرارداد اکران کشورهای آمریکای شمالی با تضمین کف فروش یکمیلیون دلاری منعقد شده است و باید دید واکنش مخاطبان آمریکایی به این فیلم چگونه خواهد بود.



وارنر برادرز علیه تحریم اسرائیل

واکنش ها به جنبش مدنی و اعتراضی «سینماگران برای فلسطین»، همچنان در دنیای سینما ادامه دارد. در تازه ترین تحول، «وارنر برادرز» نیز زیر فشارهای سیاسی به شرکت های فیلمسازی علیه این جنبش موضع گیری کرده است. جنبش «سینماگران برای فلسطین» با امضای بیش از ۵۰۰۰ هزار چهره های سینمایی و هنری، از هنرمندان خواسته تا با نهادها و سینماگران اسرائیلی همکاری نکنند. جنبشی که گفته می شود به بزرگترین بایکوت تاریخ صنعت سرگرمی تبدیل شده است. «وارنر برادرز» با انتشار بیانیه ای تأکید کرده، بایکوت نهادهای اسرائیلی، مغایر با سیاست های ضد تبعیض این شرکت است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «ما به حقوق افراد برای ابراز نظراتشان احترام می گذاریم، اما فعالیت های تجاری مان مطابق با قوانین و سیاست های شرکت ادامه می یابد.» بسیاری معتقدند که دیگر استودیوهای بزرگ نیز زیر فشارها و تهدیدهای سرمایه گذاران و محافل سیاسی نزدیک به اسرائیل، ناگزیر خواهند بود در این مناقشه موضع گیری کنند و احتمالاً مسیر وارنر برادرز و پارامونت را در پیش خواهند گرفت.



صادر نشدن ویزا برای مستندساز ایرانی

سفارت سوئیس با صدور ویزا برای هیمن خالدي، مستندساز ایرانی، و چند نفر از عوامل فیلم «بال های آوازخوان»، مخالفت کرد تا بدین ترتیب این مستندساز که دوهفته پیش موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم مستند بخش آسیا از جشنواره فیلم بوسان شده بود، از شرکت در فستیوال فیلم زوریخ باز بماند. این فیلم تنها مستندی بود که از ایران در این جشنواره حضور دارد و اینک بدون حضور عوامل، اکران خواهد شد. سفارت سوئیس دلیل صادر نکردن ویزا برای خالدي و همسرش به عنوان تهیه کننده را احتمال عدم بازگشت آن ها به کشور اعلام کرده است. این در حالی است که این زوج در این سفر قصد خروج دو فرزند زیر سه سال خود را از ایران نداشتند. هفته گذشته هم درخواست این فیلمساز برای شرکت در جشنواره فیلم لندن مورد پذیرش قرار نگرفت تا «بال های آوازخوان» در بخش مسابقه مستند گریرسون در جشنواره فیلم لندن، بدون حضور عوامل اش به نمایش درآید.

گزارش موسیقی



موسیقی زنان در ایران؛ میان ممنوعیت و مقاومت

زن، ساز و سکوت

گفت وگوهایی با هنگامه اخوان، ملیحه سعیدی و بهرُخ شورورزی

۵۰ نفره از زنان نوازنده را برعهده داشتند؛ سر دسته های این گروه ها را «استاد مینا» و «استاد زهره» تشکیل می دادند؛ زنانی که در موسیقی زمانه ی خود بی همتا بودند و شاگردی نوازندگان نامداری چون سهراب ارمنی اصفهانی و رستم یهودی شیرازی را کرده بودند. در همین دوران، «تاج السلطنه» ـ دختر ناصرالدین شاه و «توران السلطنه» ـ با نگاهی انتقادی و جسورانه به نظام مردسالار دربار، در عین حال که اهل قلم و اندیشه بود، از نوازندگان توانای عصر خود نیز به شمار می رفت. نخستین ثبت صدای زنان ایرانی به دوران پایانی قاجار و سال ۱۲۹۱ خورشیدی بازمی گردد؛ زمانی که در چهارمین دوره ی ضبط موسیقی ایرانی، آواز «افتخار»، «امجد» و «زری» بر صفحه ی گرامافون ثبت شد. اندکی بعد، «خانم پروانه» نخستین بانوی نوازنده شد که صدای سه تار او همراه آوازش بر صفحه ضبط گردید؛ نوایی که در سال ۱۳۰۶ توسط کمپانی «هیزمسترز ویس» منتشر شد. پس از او، نسل تازه ای از زنان موسیقیدان ظهور کردند. در نخستین سال های سلطنت پهلوی، با گسترش فناوری ضبط صدا، دستگاه گرامافون آرام آرام جای خود را در اماکن عمومی گشود. در همین دوران بود که نام قمرالملوک وزیری، نخستین بانوی آواز خوان نوگرایی ایران، در میان مردم پیچید. قمر، شاگرد مرتضی خان نی داود، آواز را به شیوه ی علمی و دستگاهی آموخت و آثارش بر صفحه های کمپانی هیزمسترز ویس ضبط شد. نخستین اثر او در بیات اصفهان بود. قمر که بیش از ۳۰۰ آواز بر صفحه خوانده است، سهمی سترگ در ثبت ردیف های آوازی و گوشه های موسیقی ایرانی دارد. در سال ۱۳۰۴، اجرای به یادماندنی «مرغ سحر» با شعر ملک الشعرا بهار و آهنگ نی داود، در گراند هتل تهران با صدای او طنین انداخت؛ هر چند این اثر هرگز به ضبط نرسید. سال ها بعد، ملوک ضرابی همین اثر را با صدای خویش و همراهی تار نی داود، با برچسب قرمز رنگ کمپانی پولیفون ضبط کرد و آن چنان با استقبال روبه رو شد که چندین بار بازتولید شد. ملوک ضرابی خود از پیشگامان آواز زنان در ایران بود و ده ها اثر از خود برجای گذاشت؛ از جمله تصنیف «نرمک نرمک» با شعر شهر آشوب و آهنگ عبدالله جهان پناه. پس از این نسل طلایی، در دهه های میانی قرن چهاردهم خورشیدی، بانوان آواز خوان دیگری نیز به میدان آمدند؛ از جمله عزت، روح پخش، مریم روح پرور، مرضیه، دلکش، مهوش، عهدیه، پوران، پروین، خاطره پروانه، الهه، افسر شهیدی، هنگامه اخوان، آفت و جمعی از خوانندگان پاپ که در آن زمان شمارشان فزونی گرفته بود.

بسیاری شان نشکفته، پرپر شدند. حالا البته همه چیز فرق کرده است. در این روزگار، دیگر نمی توان صدایی را محصور کرد و به آن آدمی که می خواند، گفت: نخوان. حالا اینترنت آمده و هر کسی که می خواهد، می تواند بخواند و آنچه می خواند را در شبکه های اجتماعی منتشر کند و مخاطبان بسیار نیز بیابد؛ اما مگر ما چرا همین است؟ اصلاً اجرای پشت دوبرین کجا و اجرا برای مخاطب زنده کجا؟ حالا اما چاره ای نیست و باید به همین دل خوش بود که دیگر کسی توان آن را ندارد که صدای هیچ آوازی را برای همیشه در گلو نگاه دارد. ما در این سال ها هم آن قدری پیرانه سر شده ایم که بدانیم با پخش یک قطعه ی تک خوانی از یک خواننده ی زن، نمی توان زیاد خیال بافی کرد و امیدوار شد که این روند در آینده نیز ادامه پیدا کند؛ اما این لرزش در سکوت دیرینه ی رسانه ی ملی نیز امیدوارمان کند.

حال نواختن آلات موسیقی نشان می دهند، گواهی استوار بر این حقیقت است که موسیقی، هنری مردانه نبوده و زنان ایرانی نیز در اجرای آن سهمی درخور داشته اند. به گفته ی پژوهشگر موسیقی، مانی جعفرزاده، اگر مردان در خلق موسیقی توانا تر بوده اند، زنان در اجرای آن موفق تر و پرشورتر ظاهر شده اند؛ و چه بسا در روزگاری که موسیقی هنوز مکتوب نبود، زنان در تدام و انتقال شفاهی آن سهمی افزون تر از مردان داشته اند. با گذر از دوران باستان و ورود به عصر اسلامی، بانوان هنرمند به اندرونی دربار راه یافتند و آموزش موسیقی در سطحی حرفه ای به آنان داده شد. موسیقی دانانی نامدار چون ابراهیم موصلی و فرزندش اسحاق، تعلیم بانوان را برعهده داشتند. در این دوران، برخلاف تصویری که از محدودیت زنان در قرون میانه وجود دارد، در عرصه ی موسیقی هنوز تفکیک جنسیتی آشکار دیده نمی شود؛ هر جا نوازنده ی مردی بود، زن هنرمندی نیز در کنارش می نواخت. نخستین منع حکومتی موسیقی در ایران، به فرمان شاه تهماسب صفوی در سال ۹۶۳ هجری قمری بازمی گردد. این فرمان اما فقط متوجه ی زنان نبود، بلکه ناظر بر کلیت موسیقی بود و از آن پس تا اواخر عصر قاجار، هنر موسیقی در رکودی چندقرنی فرو رفت. با آغاز دوره ی قاجار، ورق تاریخ دوباره برگشت و موسیقی، همچون دیگر هنرهای ایرانی، حیاتی تازه یافت. در دربار فتحعلی شاه به ویژه ناصرال دین شاه، موسیقی جایگاهی دوباره یافت و زنان در کنار مردان به اجرای موسیقی درباری پرداختند. در حرمسرا، گروه هایی از بانوان نوازنده و رامشگر فعالیت می کردند. «گلبلخت خانم ترکمانی» و «کوچک خانم تبریزی»، هر یک سرپرستی گروه هایی



ملیحه سعیدی:
هر هنرمندی دوست دارد نتیجه ی زحمت اش دیده و شنیده شود. اما تنها چیزی که ما را سرپا نگه داشت، عشق بود؛ عشق و ایمان به خود موسیقی. یادم هست که وقتی ازدواج کردم، نه خانه داشتم، نه ساز. با همسرم تصمیم گرفتیم یکی را انتخاب کنیم و من ساز را برگزیدم



سما بابایی
روزنامه نگار حوزه موسیقی

به تازگی شبکه ی آموزش سیما در تیتراژ ویژه برنامه ی «نوروز شکوفه های دانش» که به بهانه ی آغاز سال تحصیلی پخش شد، از صدای تک خوان زن (نغمه شریفی) استفاده کرد که ترانه ی معروف «آقای حکایتی» را می خواند. صدای او از تلویزیون شنیده شد و نه زمین به آسمان رسید، نه دنیا به آخرت. آب هم از آب تکان نخورد؛ در حالی که ۴۷ سال آرزگار، صدای زنان به یک مسئله ی بزرگ بدل شده و چهره ای امنیتی به خود گرفته بود و بدتر آن که هزاران زن آوازخوان در این سال ها، نغمه هایشان در گلو ماند و استعداد های

▼ **زن موسیقیدان در درازنای تاریخ این سرزمین**
حضور زنان در موسیقی ایران، پیشینه ای دارد به درازنای تاریخ و به ژرفای فرهنگ این سرزمین کهن. از سپیده دم تمدن در این خطه تا روزگار معاصر، «زنان» آفرینندگان، رامشگران و نواسازان برجسته ای بوده اند؛ از همین روی است که فردوسی در شاهنامه، از «سینوی خنیاگر» سخن می گوید که آوازش چنان اثرگذار بود که پلنگ را رام می کرد و در بخش های دیگر آن، زنان رامشگر و چنگ نواز را در کنار پهلوانان و شاهان می یابیم. در ماجرای هفت خان رستم، زنی جادوپیشه می کوشد تا با نغمه ی ساز خویش، پهلوان را مسحور کند و در جایی دیگر، شاعر به تصویر خانه ای می پردازد که در آن «۳۰۰ پرستنده با رباب و نبید و سرود» حضور دارند. فردوسی در مقدمه ی داستان بیژن و منیژه، شبی را توصیف می کند که خواب از چشمانش گریخته و همسر خویش را بیدار می کند تا با نوای چنگ، مونس بی خوابی شاعر شود. فراتر از ادبیات حماسی، آثار تاریخی و باستان شناسی نیز روایتگر دیرینگی حضور زنان در موسیقی ایران است. «آزادوار چنگی» از مشهورترین زنان موسیقی نواز دوران ساسانی، در عهد بهرام گور می زیست و چیرگی او در نواختن چنگ، زبانزد هم عصرانش بود. در سفرنامه ی منسوب به فیثاغورث نیز آمده است، در هنگام تاج گذاری داریوش بزرگ، ۳۶۰ دختر با هم آوایی شگفت انگیز، سرودی مناسب حال می خواندند. در کتاب «گشت و گذاری در موسیقی سنتی ایرانی» چندین نگاره از مجسمه های نوازندگان زن دوران ماقبل تاریخ به چاپ رسیده است که از منطقه ی شوش و خوزستان به دست آمده اند. این آثار که غالباً زنان را در